اخبار

پیام رهبر انقلاب در پی شهادت سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی و همرزمانش

رژیم خبیث مجازات خواهد شد

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت شهادت سردار رشید اسلام سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی و جمعی از همرزمان وی به دست رژیم غاصب و منفور صهیونیست، تاکید کردند: آنها را از این جنایت و امثال آن پشیمان خواهیم کرد؛ به حول و قوه الهی. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سردار رشید و فداکار اسلام سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی، در کنار همرزم بزرگوارش سردار محمدهادی حاج‌رحیمی، با جنایت رژیم غاصب و منفور صهیونیست به شهادت رسیدند. سلام و رحمت خدا و اولیایش بر آنان و دیگر شهیدان این حادثه، و لعنت و نفرین بر سردمداران رژیم ظالم و متجاوز. شهیدان ما از خداوند مهربان خود، نشان قبول مجاهدت درازمدت خود را دریافت کردند و هم‌اکنون در جمع اولیا و صلحا، متنعم به نعَم الهی‌اند.

سردار زاهدی از دهه ۶۰ در میدان‌های خطر و مجاهدت، چشم‌انتظار شهادت بود. آنها چیزی را از دست نداده و پاداش خود را دریافت کرده‌اند ولی غم فقدان آنان برای ملت ایران بویژه هر کس که آنان را می‌شناخت سنگین است. رژیم خبیث به دست دلاورمردان ما مجازات خواهد شد. آنها را از این جنایت و امثال آن پشیمان خواهیم کرد؛ به حول و قوه الهی.

والسلام علی عبادالله الصالحین
سیدعلی خامنه‌ای
۱۴ فروردین ۱۴۰۳

واکنش‌های داخلی به عملیات تروریستی رژیم صهیونیستی در دمشق

در عملیات تروریستی روز دوشنبه رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق سرداران سرلشکر پاسدار محمدرضا زاهدی و سرتیپ پاسدار محمدهادی حاجی رحیمی به همراه ۵ مستشار نظامی دیگر کشورمان (حسین امان‌اللهی، سیدمهدی جلالتی، محسن صداقت، علی آقابابایی و سیدعلی صالحی‌روزبهانی) به شهادت رسیدند، همچنین در این عملیات تروریستی ۶ شهروند سوریه نیز شهید شدند.

رئیس‌جمهور در بیانیه‌ای با محکومیت تهاجم غیرانسانی و نقض آشکار مقررات بین‌المللی از سوی رژیم صهیونیستی در حمله به ساختمان کنسولگری کشورمان در دمشق اظهار داشت: این سرداران مجاهد که از فرماندهان، رزمندگان و جانبازان دلیر دوران دفاع مقدس بودند، در کسوت مستشاری ارشد در دفاع از حرم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و در حراست از ارزش‌های بلند اسلامی و انسانی در سوریه حضور داشتند و سرافرازانه به کاروان شهیدان پیوستند. در بیانیه حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدابراهیم رئیسی آمده است: اینجانب با محکومیت این تهاجم غیرانسانی که نقض آشکار مقررات بین‌المللی است، شهادت این فرزندان رشید میهن اسلامی را محضر مقام معظم رهبری، ملت شهیدپرور ایران، همرزمان آن شهیدان در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بویژه خانواده‌های محترم آنان تسلیت می‌گویم و در این ایام پرفیض از پیشگاه خداوند متعال برای این شهیدان علو درجات و همنشینی با ائمه اطهار(ع) را مسالت دارم. رژیم غاصب صهیونیستی پس از شکست و ناکامی مکرر در برابر ایمان و اراده مجاهدان جبهه مقاومت، در تقلا برای نجات خود، ترور را در دستور کار قرار داده است اما باید بداند با اینگونه اقدامات غیرانسانی هرگز به اهداف شوم خود نخواهد رسید و روز به روز شاهد تقویت جبهه مقاومت و انزجار و نفرت ملت‌های آزاده علیه ماهیت نامشروع خود بوده و این جنایت ناجوانمردانه نیز بی‌پاسخ نخواهد ماند.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پیامی ضمن محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری ایران در سوریه تاکید کرد: سردمداران جاهل رژیم غاصب اسرائیل و حامیان آنها بدانند این تحرکات رذیلانه هیچ تأثیری در اراده آزادیخواهی و حق‌طلبی مبارزان مقاومت ندارد و اقدام تجاوزگرانه و ددمنشانه آنان با مجازات سختی مواجه می‌شود. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه هم حمله رژیم متجاوز صهیونیستی به ساختمان بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق را شدیدا محکوم کرد. وی این حمله ددمنشانه را نقض فاحش مقررات بین‌المللی بویژه کنوانسیون روابط دیپلماتیک ۱۹۶۱ وین دانست و افزود: شایسته و بایسته است این اقدام با قوی‌ترین عبارات از سوی جامعه جهانی و سازمان ملل متحد محکوم و اقدام لازم در قبال متجاوز انجام شود. کنعانی تاکید کرد: ابعاد این حمله نفرت‌انگیز در حال بررسی بوده و مسؤولیت عواقب و پیامدهای آن با رژیم متجاوز صهیونیستی است. سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران ضمن محفوظ داشتن حقوق خود برای اتخاذ اقدامات متقابل، نسبت به نوع واکنش و تنبیه متجاوز تصمیم می‌گیرد. احمد وحیدی، وزیر کشور در حساب کاربری خود در شبکه ایکس با اشاره به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری کشورمان در سوریه نوشت: شهادت سردار سرلشکر زاهدی و همراهان ایشان را تسلیت عرض می‌کنم. مطمئنا واکنش اسرائیل بر اثر انفعال و شکست‌های میدانی است. وی افزود: خوش به حال شهید زاهدی که تا آخرین لحظه عمرش برای امنیت مردم خواب و خوراک نداشت. وحیدی تاکید کرد: فرزندان خمینی کبیر سرنوشتی جز شهادت ندارند. صهیونیست‌ها، منتظر واکنش باشند. علی شمخانی، مشاور سیاسی مقام معظم رهبری و دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی نیز در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با اشاره به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در سوریه نوشت: رژیم صهیونیستی به عنوان ارتش نیابتی آمریکا در منطقه با حمله به کنسولگری ایران در دمشق مرتکب حماقتی شد که باید تاوان آن را بدهد. مطلع بودن یا نبودن واشنگتن از قصد اسرائیل برای دست زدن به این اقدام، تأثیری در مسؤولیت مستقیم آمریکا در قبال این جنایت و تبعات آن ندارد.

جمهوری اسلامی ایران قطعا به اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی پاسخ می‌دهد

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: اقدام تروریستی و متجاوزانه رژیم صهیونیستی در حمله به کنسولگری ایران در دمشق در اصل مجوزی شد برای اینکه ما در هر نقطه‌ای از جهان که اراده کردیم، بتوانیم به این جنایت پاسخ دهیم. اسماعیل کوثری در گفت‌وگو با ایسنا عنوان کرد: ان‌شاءالله در روز قدس خواهیم دید مردم در همه دنیا به خیابان‌ها می‌آیند و این مسأله را مطرح می‌کنند که جلوی این جنایات هرچه سریع‌تر گرفته شود.

پاسخ ایران به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی علیه کنسولگری کشورمان در دمشق باید گرفتاری رژیم اشغالگر در مخمصه پس از ۷ اکتبر را تشدید و تحقق پیروزی جبهه مقاومت را تسریع کند

تا پیروزی

ادامه از صفحه اول

در بیرون از سرزمین‌های اشغالی نیز صهیونیست‌ها افکار عمومی دنیا را باخته‌اند. افکار عمومی به واسطه جنایات بی‌سابقه رژیم صهیونیستی در غزه، یکصدا علیه آنها شده و رژیم اشغالگر قدس تبدیل به یک رژیم منفور در دنیا شده است. بی‌توجهی مکرر این رژیم به قوانین و قواعد بین‌المللی باعث شده تقریبا همه مجامع بین‌المللی یا علیه این رژیم بسیج یا نسبت به تداوم حمایت‌های خود از این رژیم دچار تردید شوند. از سوی دیگر در میدان مبارزه نیز این رژیم هنوز نتوانسته یک دستاورد قابل اعتنای نظامی و امنیتی در غزه به دست آورد. روزبه‌روز درماندگی صهیونیست‌ها در غزه بیشتر نمایان می‌شود. با گذشت ۶ ماه از جنگ، همچنان نیروهای مقاومت حماس و جهاد اسلامی به نبرد خود علیه صهیونیست‌ها در غزه ادامه می‌دهند. همچنان تانک‌ها و زره‌پوش‌های رژیم صهیونیستی در غزه مورد هدف موشک‌های یاسین مجاهدان فلسطینی قرار می‌گیرد. صهیونیست‌ها اگرچه اقدام به پیشروی در برخی مناطق غزه کرده‌اند اما تاکنون نتوانسته‌اند پیشروی خود در این مناطق را تثبیت و نظامیان خود را در آنجا مستقر کنند. رهبران مقاومت فلسطین نیز تاکید کرده‌اند بخش زیادی از توان دفاعی و توان رزمی آنها همچنان حفظ شده است و آنان مطابق محاسبات و نقشه‌های خود از این توان بهره می‌برند. صهیونیست‌ها جز کشتار و جنایت در غزه کاری از پیش نبرده‌اند. رسانه‌های دنیا در ۶ ماه گذشته آنچه از غزه مخابره کرده‌اند، توفیقات و پیروزی رژیم صهیونیستی نبوده، بلکه اخبار فجایع ضد بشری صهیونیست‌ها به دنیا مخابره شده است. پس از فاجعه بزرگ بیمارستان شفا، صهیونیست‌ها فاجعه جدیدتری خلق کرده‌اند. حمله به کاروان کمک‌رسانی سازمان مردم‌نهاد «آشپزخانه مرکزی جهانی» که از ملیت‌های مختلف در غزه فعالیت می‌کردند، خشم مضاعف جهان را از وحشی‌گری‌های ارتش رژیم صهیونیستی موجب شده است. همین وحشی‌گری‌ها باعث شده است حامیان این رژیم اشغالگر برای تداوم حمایت‌ها از این جنایات در محدودیت قرار گیرند، به گونه‌ای که برخی کشورهای اروپایی علنا جنایات صهیونیست‌ها را محکوم می‌کنند و کاخ سفید نیز ناگزیر شده در عین حال که بیشترین کمک‌های تسلیحاتی را به این رژیم می‌کند، در ظاهر انتقاداتی از جنایات صهیونیست‌ها مطرح کند؛ انتقاداتی که برای جلب نظر جامعه مسلمانان آمریکاست، مسلمانانی که در انتخابات درون‌حزبی اخیر، رویگردانی خود از سیاست‌های بایدن را نشان دادند.

به هر حال وضعیت رژیم صهیونیستی بحرانی است. صهیونیست‌ها هنوز از بحران خارج نشده‌اند. آنها در تازه‌ترین برنامه خود به دنبال تسلط بر رفح و کنترل مرز غزه با مصر هستند. ارتش صهیونیستی برای رسیدن به این هدف، دنبال کشتار مردم بی‌گناه غزه است. از سوی دیگر آنها دنبال تشدید التهابات در مرز با لبنان هستند و در تلاشند با ایجاد یک جنگ مقطعی با لبنان، تمرکز افکار عمومی دنیا را به جنگ با لبنان منحرف کنند تا در رفح جنایت بزرگ دیگری خلق کنند. حمله آنها به مقر کنسولی ایران در دمشق نیز در همین راستا انجام شده است. این واقعیتی غیر قابل انکار است که صهیونیست‌ها دنبال گسترده‌تر کردن جنگ و کشاندن کشورهایی مانند ایران و آمریکا به جنگ مستقیم با یکدیگر هستند. بنابراین صهیونیست‌ها در ادامه راهبرد خود برای وادار کردن ایران به جنگ مستقیم با اسرائیل، یک گام جلوتر نهاده‌اند و به دفتر کنسولی ایران در دمشق حمله کرده و تعدادی از فرماندهان ایرانی را به شهادت رساندند. هدف صهیونیست‌ها این است که ایران به صورت مستقیم به رژیم صهیونیستی اعلان جنگ کند و مستقیما وارد جنگ با صهیونیست‌ها شود. غیر از این هدف، حمله به ساختمان کنسولی ایران در دمشق چه دستاوردی برای صهیونیست‌ها به همراه خواهد داشت؟ پیش از این و پس از ترور سردار شهید سیدرضی موسوی نیز «وطن امروز» در مطالبی با عنوان «انتقام هوشمندانه» و «معادله انتقام» به تفصیل نوشت: صهیونیست‌ها پس از حمله ۷ اکتبر در مخمصه‌ای افتاده‌اند که برای خروج از آن نیز درگیر بحران هستند. آنها نمی‌توانند آسیب‌های توفان الاقصی را جبران کنند و زخم‌های آن حماسه التیام پیدا نخواهد کرد. با این حال اما آنها معتقدند تنها کاری که می‌توانند انجام دهند اشغال غزه و کشتار ده‌ها هزار فلسطینی بی‌گناه است. صهیونیست‌ها در رسیدن به این هدف هم همچنان ناکام مانده‌اند، هنوز دستاورد مهم نظامی ارائه نکرده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند کنترل غزه را به دست گیرند. در این راستا آنها یک هدف بزرگ را برای خروج از این مخمصه در نظر گرفته‌اند و آن این است که جنگ خود با مقاومت غزه را تبدیل به جنگ ایران و آمریکا در منطقه کنند. آمریکا پشتیبان اصلی رژیم صهیونیستی است و مدیریت جنگ نیز توسط آمریکایی‌ها انجام می‌شود. اما نتانیاهو چون می‌داند یکی از قربانیان عملیات توفان الاقصی و ضربه بی‌سابقه این عملیات به رژیم صهیونیستی است، لذا تلاش می‌کند با گسترده‌تر کردن جنگ، از این مخمصه خارج شود. این بار نیز صهیونیست‌ها برای تسلط بر رفح و گرفتن مرز غزه با مصر و نیز کشتار مردم بی‌گناه، اقداماتی را برای کشاندن جنگ به بیرون از مرزهای فلسطین اشغالی امتحان کرده‌اند. در واقع هدف اصلی رژیم صهیونیستی از حمله به ساختمان کنسولی ایران در دمشق، همان هدفی است که آنها از ترور سردار شهید سیدرضی موسوی دنبال می‌کردند. آنها دنبال گسترده‌تر کردن جنگ، کشتار بزرگ‌تر در غزه و به دست گرفتن کنترل این باریکه و نیز ایجاد فرصت بیشتر برای حضور نتانیاهو در قدرت هستند.

■ ما یعنی مقاومت

عملیات توفان الاقصی باعث شد ظرفیت‌های جبهه مقاومت در قالب آرایش مقابله با رژیم صهیونیستی عینیت بیشتری یابد. پس از ۷ اکتبر منطقه غرب آسیا شاهد رونمایی یک نظم و هژمونی بدیع در حوزه تولید قدرت در دنیا بوده است. ایده مقاومت یک ایده ناب است که قبل از این در هیچ دوره و مقطعی بویژه در غرب آسیا نمونه‌ای نداشته است. حالا این هژمون جدید که بخشی از ظرفیت آن در مقابله با فتنه داعش بروز کرده بود، پس از عملیات ۷ اکتبر توانسته است در دفاع از زنان و کودکان مظلوم غزه بخش بیشتری از گستره و ظرفیت خود را به همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان دهد.

جبهه مقاومت در ضلع عراق، صدها بار به مراکز مهم نظامی و اقتصادی رژیم اشغالگر قدس حمله و ضربات مهلکی را به صهیونیست‌ها وارد کرده است، همچنین مقاومت عراق با همراهی بخشی از مقاومت در سوریه توانسته است همزمان حملات تعیین‌کننده و معناداری به مراکز نظامی اشغالگران آمریکایی در عراق و سوریه انجام دهد. در لبنان، مقاومت توانسته است از ابتدای جنگ بخش مهمی از توان و ظرفیت رژیم صهیونیستی را به خود مشغول نگه دارد، ضمن اینکه خروج شهرک‌نشینان صهیونیست از مناطق مرزی با لبنان یک ضربه امنیتی مهم به رژیم وارد کرده است. حملات چند ماه اخیر مقاومت لبنان به پایگاه هوایی «مرون» ابعاد مهمی داشته است. حزب‌الله نشان داد هم احاطه اطلاعاتی جامعی از مراکز نظامی صهیونیست‌ها دارد، هم توان نظامی کاملی برای هدف قرار دادن این مراکز در اختیار دارد و هم اینکه محاسبات دقیقی برای ضربه زدن به این مراکز، با توجه به وضعیت و سطح جنگ دارد.

در کنار لبنان، جبهه سوریه نیز فعال‌تر از گذشته شده است. طی ماه‌های اخیر حملات پهپادی و موشکی مهمی از خاک سوریه علیه دشمن صهیونیستی انجام شده است. از سوی دیگر نقش لجستیکی ضلع سوریه برای جبهه مقاومت بسیار مهم و نقش‌آفرین است. صهیونیست‌ها به شدت از لجستیک و پشتیبانی مقاومت در سوریه نگران هستند. حملات مکرر به مراکز و فرودگاه‌های سوریه اما نتوانسته مانع جدی در هماهنگی، انسجام و تقویت جبهه مقاومت از ایران تا لبنان و فلسطین و البته کرانه باختری ایجاد کند. اردن البته یکی از ظرفیت‌هایی است که به نظر می‌رسد در آینده از آن بیشتر خواهیم شنید. چند میلیون فلسطینی در خاک اردن زندگی می‌کنند که بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها بخش بزرگی از آنها طرفدار مقاومت هستند. اردن یکی از مسیرهای مهم تسلیح کرانه باختری است. با این حال عملکرد پادشاه اردن در ۶ ماه گذشته نشان داده است موضوع مسلح کردن کرانه باختری از خاک اردن باید ابعاد جدی‌تری به خود بگیرد. طی روزهای اخیر برخی گروه‌های مقاومت عراقی امکان مسلح کردن ده‌ها هزار فلسطینی ساکن اردن برای آزادی قدس شریف را مطرح کرده‌اند؛ موضوعی که باید منتظر ماند و سرانجام آن را دید.

ظرفیت بزرگ جبهه مقاومت اما این بار با درخشش ستاره‌ای به نام یمن، برای جهانیان چشمگیرتر شد. جبهه یمن؛ جبهه‌ای که به واسطه نقش تعیین‌کننده‌ای که برای آن در نظر گرفته شده، گاهی موثرتر از سایر جبهه‌ها، آمریکا و رژیم صهیونیست را به مرز جنون رسانده است. یمنی‌ها در مرحله اول دفاع از مردم غزه، حملاتی را به سرزمین‌های اشغالی انجام دادند. مقاومت در یمن، در دومین مرحله عملیات‌های خود علیه رژیم صهیونیستی، یک بحران بی‌سابقه اقتصادی، امنیتی و سیاسی برای اسرائیل ایجاد کرد. حمله به کشتی‌های صهیونیستی و کشتی‌های مرتبط با تجارت رژیم صهیونیستی، باعث شده بندر ایلات به یک بندر متروکه تبدیل شود. تلاش آمریکا برای مقابله با عملیات‌های یمن در باب‌المندب و دریای سرخ نیز به یک بی‌آبرویی برای واشنگتن و تل‌آویو تبدیل شد. اگر پیش از این ائتلاف، تنها کشتی‌های اسرائیلی و کشتی‌هایی با مقصد سرزمین‌های اشغالی مورد اصابت موشک‌ها و پهپادهای ارتش یمن قرار می‌گرفتند اما اینک کشتی‌های باربری و کشتی‌های جنگی آمریکا و انگلیس نیز هدف موشک‌ها و پهپادهای یمنی قرار می‌گیرند و آمریکایی‌ها رسما در مقابل یمن اظهار استیصال می‌کنند. یمنی‌ها به عنوان ضلع جنوبی جبهه مقاومت، مسیر حمل‌ونقل دریایی از باب‌المندب به سمت بندر ایلات را بستند و سیدعبدالملک بدرالدین حوثی اخیرا در یکی از سخنرانی‌های خود تاکید کرد ارتش مردمی یمن حتی کشتی‌هایی را که از مسیر جنوب قاره آفریقا به سمت سرزمین‌های اشغالی حرکت می‌کنند نیز هدف قرار خواهد داد. یمنی‌ها ستاره این جنگ شده‌اند.

مواردی که اشاره شد تنها بخش کوچکی از توان و قدرت جبهه مقاومت است که پس از عملیات توفان الاقصی در مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی علنی شده است؛ جبهه‌ای که هدف اصلی آن برچیدن رژیم اشغالگر صهیونیستی است. صهیونیست‌ها از ۷ اکتبر در مخمصه‌ای بزرگ افتادند. عملیات ۷ اکتبر هیمنه نظامی و امنیتی آنها را از بین برد و حالا پس از آن نیز بزرگ‌ترین قدرت گسترده منطقه‌ای با عنوان جبهه مقاومت در حال تشدید حملات خود به این رژیم اشغالگر است. اسرائیل در یک معادله بسیار هزینه‌ساز گیر افتاده است. جبهه‌ای به نام مقاومت توانست به تنهایی و با یک انسجام و بازیگری دقیق، صهیونیست‌ها را از درون دچار یک ضربه جبران‌ناپذیر کند و از بیرون در شرایط ناگزیر به پذیرش این شکست قرار دهد. رژیم صهیونیستی می‌داند ادامه این وضعیت و جنگ در غزه، آورده‌ای برای آنها نخواهد داشت و این را بهتر از مورد اول می‌دانند که توقف جنگ نیز به معنای اعلان شکست و تسریع در روند اضمحلال است، بنابراین خوب می‌دانند این معادله برای آنها یک وضعیت باخت - باخت است؛ وضعیت باخت - باختی که روند اضمحلال فرسایشی آنها را تشدید کرده است. آنها در درون مرزهای فلسطین اشغالی درگیر یک جنگ مهم و سرنوشت‌ساز با «حماس - جهاد اسلامی» به عنوان ضلعی از جبهه مقاومت هستند و از بیرون سرزمین‌های اشغالی نیز با اضلاع دیگر جبهه مقاومت مواجه هستند؛ اضلاعی که تلاش می‌کنند از پیروزی توفان الاقصی مراقبت و صهیونیست‌ها را ناچار کنند جنگ را پایان دهند. صهیونیست‌ها این را هم خوب می‌دانند که اضلاع مقاومت دارای چه ظرفیتی هستند از همین رو می‌دانند هدف و آرزوی آنها برای از بین بردن حماس، امکان‌پذیر نیست، چرا که از یک سو آنها توانایی از بین بردن حماس و جهاد را ندارند و از سوی دیگر، اضلاع دیگر مقاومت اجازه این کار را به رژیم صهیونیستی نخواهند داد. از سوی دیگر طولانی شدن جنگ نیز یک مخمصه بزرگ‌تر برای رژیم صهیونیستی است، چرا که غیر از افزایش تلفات، اقتصاد رژیم صهیونیستی نیز در حال متحمل شدن هزینه‌های بسیار زیاد است. اقتصاد رژیم صهیونیستی از ابتدای جنگ بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار آسیب دیده است و بیش از ۳ هزار نظامی و شهرک‌نشین صهیونیست هلاک شده‌اند. اسرای صهیونیست وضعیت بشدت هزینه‌سازی برای دولت نتانیاهو پیدا کرده‌اند. وضعیت مناسبات سیاسی و مراودات تجاری این رژیم با دنیا در حال نابود شدن است. سطح مقابله جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی نیز در حال افزایش است. در کنار این موارد این را نیز باید در نظر داشت که یک جهان مقابل اسرائیل ایستاده است و ملت‌ها انزجار و خشم بی‌سابقه‌ای علیه رژیم صهیونیستی ابراز کرده‌اند. در چنین وضعیتی این واقعیت را می‌توان گفت که صهیونیست‌ها درگیر خطر هزینه و آسیبی به مراتب بزرگ‌تر و بیشتر از خطر هزینه و آسیب توفان الاقصی هستند. آنها برای کاهش آلام و هزینه‌های توفان الاقصی دست به جنایت‌های بی‌سابقه‌ای در غزه زده‌اند اما حالا به وضوح می‌بینند تداوم این وضعیت، می‌تواند فرآیند فروپاشی رژیم صهیونیستی را تسریع کند.

باید به این موضوع بسیار دقت کرد: آنچه صهیونیست‌ها درگیر آن شده‌اند، مخمصه‌ای به نام «فروپاشی تدریجی» است. جبهه مقاومت با طراحی‌ای که انجام داده رژیم صهیونیستی را در موقعیت فروپاشی تدریجی قرار داده است. از همین رو مهم‌ترین کارویژه و دستورکار جبهه مقاومت حفظ شرایط فعلی و جلوگیری از فرار اسرائیل از این مخمصه است. رژیم اشغالگر قدس فهمیده است در معادله فعلی، زمان و مکان بشدت به زیان آن است. درگیر شدن در جنگ فرسایشی در سرزمین‌های اشغالی و تشدید حملات از بیرون سرزمین‌های اشغالی، امان صهیونیست‌ها را بریده است، ضمن اینکه هژمونی مقاومت در منطقه، همزمان با پیگیری اخراج آمریکا از منطقه، در حال کاستن از میزان حمایت‌ها و پشتیبانی آمریکا از تل‌آویو در این جنگ است. بر همین اساس تل‌آویو تلاش می‌کند هر طور شده این معادله را تغییر دهد؛ تنها راهی که به ذهن مقامات تل‌آویو می‌رسد، گسترش جنگ به بیرون از مرزهای فلسطین اشغالی و درگیر کردن ایران و آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در این جنگ است تا از یک سو یک بحران بزرگ‌تر در منطقه با حضور طرفین دیگر ایجاد و از سوی دیگر با برداشتن تمرکزها از غزه، جنایات بزرگ‌تری برای از بین بردن مردم غزه و مقاومت این شهر مرتکب شود. آنچه اسرائیل را آزار می‌دهد این است که جبهه مقاومت با پشتیبانی ایران شکل گرفت و اکنون با گفتمان ضداسرائیلی انقلاب اسلامی در حال مبارزه با صهیونیست‌هاست. در واقع هم نرم‌افزار جبهه مقاومت متعلق به ایران است و هم سخت‌افزار توسط ایران تهیه شده و هم بخش مهمی از مدیریت میدان توسط ایران انجام می‌شود. با این حال اما صهیونیست‌ها از اینکه نتوانسته‌اند ایران را به صورت مستقیم وارد این نبرد کنند اما خود به صورت مستقیم درگیر آن شده‌اند، بشدت عصبانی‌اند. حمله به کنسولگری ایران در دمشق نیز از جمله مصادیق همین تلاش اسرائیل برای گسترش جنگ به بیرون از مرزهای فلسطین اشغالی و ایجاد جنگ منطقه‌ای و درگیر کردن ایران در جنگ مستقیم است.

■ هنر انتقام

حمله رژیم صهیونیستی به ساختمان کنسولی ایران در دمشق برخلاف قوانین و معاهدات بین‌المللی و به صورت مشخص خلاف کنوانسیون ۱۹۶۱ است. حق ایران برای پاسخ معادل به این حمله محفوظ است.

واکنش ایران برای گرفتن انتقام خون‌های پاک سرداران شهید زاهدی، حاج‌رحیمی و دیگر همرزمان‌شان چگونه باید باشد؟ آیا ایران سفارتخانه‌های رژیم صهیونیستی در یکی از کشورهای ثالث را هدف قرار می‌دهد؟ یا ترجیح می‌دهد از این فرصت برای تشدید حملات جبهه مقاومت به رژیم اشغالگر قدس برای نجات مردم مظلوم غزه و تسریع روند اضمحلال تدریجی رژیم اشغالگر قدس استفاده کند؟

ایران ابزارها و امکانات زیادی برای ضربه زدن به رژیم صهیونیستی در اختیار دارد. نفوذ ایران در جبهه مقاومت هم دارای ابعاد معنوی و هم دارای مختصات مادی است. انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش همه نهضت‌های آزادی‌بخش منطقه‌ای شد و افق‌های انسانی و ایمانی بزرگی را پیش چشم مردم مسلمان منطقه گشود. جمهوری اسلامی ایران البته حمایت‌های همه‌جانبه‌ای از هسته‌های مردمی آزادی‌خواه نیز انجام داده است. نتیجه ایجاد و سازماندهی این هسته‌ها حداقل در موضوع مبارزه با آدم‌کش‌های داعش باعث شد مردم منطقه یک تجربه شیرین را از این هندسه جدید مردمی در منطقه شاهد باشند. جبهه مقاومت متشکل از همین هسته‌های مردم مسلمان آزادی‌خواه و عدالت‌طلب منطقه است. آمریکا و اروپا آنها را نیروهای نیابتی ایران می‌دانند اما واقعیت آن است که جبهه مقاومت بر اساس یک گفتمان قدرتمند شکل گرفته و هر کدام در یک جغرافیا در راستای تحقق منافع ملت خود، از این گفتمان بهره می‌گیرند. همه اضلاع مقاومت برای تحقق این اهداف همپیمان هستند، کما اینکه همه این اضلاع اکنون در حال مبارزه با رژیم صهیونیستی برای حمایت از مردم غزه و حراست از پیروزی مقاومت فلسطین در غزه هستند. هر کدام از این اضلاع در این مسیر خون اهدا کرده‌اند و در راه این آرمان همخون شده‌اند. تازه‌ترین شهدای این راه را ایران اهدا کرده است، آن هم شهدایی که فرماندهان مقاومت بوده‌اند.

بنابراین فهم دقیق ماهیت و قدرت جبهه مقاومت به عنوان مهم‌ترین نیروی مردمی ایستاده در مقابل رژیم صهیونیستی و آمریکا، باعث می‌شود در نحوه مواجهه با رژیم اشغالگر قدس و چگونگی گرفتن انتقام شهدای مقاومت، واقع‌بینانه‌تر پیش‌بینی کنیم

حق واکنش متقابل البته برای ایران محفوظ است اما اینکه در ایران، استراتژیست‌های نظامی و تصمیم‌گیران ترجیح می‌دهند این حق خود را در چه سطحی و در چه راستایی و به چه شکلی از رژیم صهیونیستی بستانند، قاعدتا تصمیمی است که ۲ ویژگی مهم خواهد داشت:

۱- هدف رژیم اشغالگر قدس از حمله به کنسولگری ایران را محقق نکند.

۲- بیشترین آسیب ممکن را به رژیم صهیونیستی وارد کند.

در مورد اول، به نظر می‌رسد یک اجماع عاقلانه در سطح تصمیم‌گیران ایران درباره فهم اهداف صهیونیست‌ها از این حمله ایجاد شده است.

درباره موضوع دوم، یعنی چگونگی حمله به‌گونه‌ای که بیشترین آسیب به رژیم صهیونیستی وارد شود، می‌توان بحث کرد. واکنش ایران به حمله رژیم صهیونیستی به کنسولگری کشورمان در دمشق باید چه آسیب‌هایی به رژیم اشغالگر وارد کند. این وظیفه کارشناسان و استراتژیست‌های نظامی است که نوع انتقام ایران را انتخاب و عملیاتی کنند ولی درباره ویژگی‌ها و اثرات آن چند نکته را می‌توان در نظر گرفت.

در وهله نخست انتقام ایران باید به گونه‌ای باشد که نه تنها راه فراری از مخمصه موجود برای رژیم صهیونیستی فراهم نکند، بلکه حلقه‌های این مخمصه را دور گردن صهیونیست‌ها تنگ‌تر کند. در واقع سطح مقابله جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی باید افزایش یابد. این افزایش سطح هم می‌تواند به معنای افزایش دامنه نبرد و هم تشدید ضربات به مراکز یا منافع رژیم صهیونیستی باشد. فرماندهی واحد جبهه مقاومت تاکنون بر اساس یک زمان‌بندی مشخص، سطح جنگ را تنظیم کرده است، بنابراین یکی از مهم‌ترین ابعاد انتقام ایران باید تشدید فشار به رژیم صهیونیستی و افزایش هزینه‌های تداوم جنگ در غزه برای اشغالگران باشد.

یکی دیگر از آثار انتقام ایران باید در وضعیت غزه و نجات مردم مظلوم این باریکه از چنگ اشغالگران باشد. حتما واکنش ایران به انتقام شهدای کنسولگری باید دامنه‌ای از اقداماتی باشد که مهم‌ترین آثار آن در نجات مردم غزه، کاهش فجایع صهیونیست‌ها در آن منطقه و تثبیت پیروزی جبهه مقاومت در عملیات توفان الاقصی باشد. پیروزی مقاومت غزه در جنگ فعلی، بزرگ‌ترین کابوس رژیم صهیونیستی است و در سال‌های آینده موجب تشدید فروپاشی تدریجی رژیم صهیونیستی خواهد شد.

موضوع بازدارندگی نیز باید در گرفتن انتقام خون شهدای کنسولگری در نظر گرفته شود. اگرچه برخی معتقدند روند جنگ و وضعیت بغرنج صهیونیست‌ها باعث می‌شود این رژیم برای پیدا کردن یک راه نجات دست به دیوانگی‌های بزرگ‌تری هم بزند اما به نظر می‌رسد ایران باید پیام‌های واضح و معتبری به آمریکایی‌ها ارسال کند و مصادیق هزینه‌های ادامه دیوانه‌بازی‌های رژیم صهیونیستی را از هم‌اکنون گوشزد کند.

عنصر موفقیت و پیروزی در انتخاب اهداف و نحوه انتقام بسیار ضروری است. اینکه «فقط بزنیم» خلاف منطق و در بسیاری موارد خلاف مصالح و منافع ملی است و قطعا به سود مردم مظلوم فلسطین نیز نخواهد بود و ممکن است آلام آنان را نیز بیشتر کند. انتقام باید به گونه‌ای باشد که عنصر موفقیت و پیروزی و رسیدن به هدف نهایی در آن موجود باشد. بنابراین در گرفتن انتقام باید «به گونه‌ای بزنیم که ببریم». از سوی دیگر درباره مطالبه «خودمان بزنیم» نیز باید این نکته را در نظر داشت که اولا؛ حق انتقام برای ایران کاملا محفوظ است و قوانین بین‌المللی نیز این حق را به رسمیت می‌شناسد. تاریخ مواجهات ایران و رژیم صهیونیستی نیز نشان داده ایران هیچ حمله و ضربه‌ای را بدون پاسخ نگذاشته است. در کنار اینها، هندسه مقاومت توسط ایران بنا شده است و کشوری که مبدأ و قلب تپنده مقاومت است، قطعا در مقابل رژیم صهیونیستی منتظر فرصت ضربه است اما در کنار حق طبیعی و قانونی انتقام، باید به این مهم نیز توجه داشت: منظور از «خودمان» کیست؟ آیا اختلاف یا تفاوتی بین ایران و جبهه مقاومت وجود دارد؟ کدام عقل سلیم بین جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت تفاوت ماهوی قائل است؟ بنابراین در تعریف انتقام باید نسبت به این قبیل مرزبندی‌های کاذب بی‌اعتنا بود. هرچه جبهه مقاومت انجام می‌دهد، به سود ایران است و هر آنچه ایران انجام می‌دهد به سود جبهه مقاومت و منافع ملت‌های آنهاست. بنابراین یکی از هنرهای جنگیدن در این نبرد این است که رژیم صهیونیستی از جوانب مختلف از سوی مقاومت آماج و هدف حملات است؛ در حالی که هیچ بهانه و فرصتی برای حمله به مرزهای ایران به عنوان پشتیبان اصلی مقاومت در اختیار ندارد. این نقطه قوت ایران و هنر رزم جدید ایران در منطقه است که به رخ دنیا می‌کشد.

[ما در موقعیت «نزنیم، می‌زنند» نیستیم، ما در وضعیت ضربات مستمر به رژیم تل‌آویو هستیم]

روز گذشته برخی اکانت‌های دشمن در شبکه اجتماعی ایکس و برخی کانال‌های تلگرامی با استناد به جلد روزنامه «وطن امروز» پس از ترور شهید فخری‌زاده و جلد شماره دیروز (سه‌شنبه ۱۴ فروردین) روزنامه مدعی شدند «وطن امروز» استاندارد دوگانه‌ای در قبال ترورهای رژیم صهیونیستی دارد.

درباره این ادعا چند نکته را باید توضیح داد.

**۱- شماره روز گذشته «وطن امروز»، نخستین شماره روزنامه در سال جدید بود و بنا بر رسم و عهد همیشگی «وطن امروز» در شماره نخست هر سال، ف